

تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی بر رضایت از زندگی کاربران با تأکید بر نقش میانجی گرانه احساس امنیت اجتماعی

دکتر رضا پریزاد^۱

سید سعید ذبیحی حسینی^۲

چکیده

در جهان معاصر، رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی که پایگاه داده آن‌ها در کشور ثالثی قرار دارد و از نظر فرهنگی تفاوت‌هایی میان مبدأ و مقصد کاربرانشان وجود دارد، به‌واسطه توانایی‌هایشان در توسعه ارتباطات هم‌زمان و ناهم‌زمان و ایجاد دسترسی به گستره وسیعی از داده‌ها، نفوذ شدیدی در زیست جهان‌های کاربران پیدا نموده‌اند و بر این اساس، بسترهای شکل‌گیری عادت واژه‌های جدیدی را فراهم کرده‌اند که خود به کنش و انتخاب‌های متفاوتی منتهی می‌گردد. با توجه به این امر، هدف از این پژوهش تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی بر رضایت از زندگی کاربران با تأکید بر نقش میانجی گرانه احساس امنیت اجتماعی است.

این پژوهش به لحاظ روش از نوع تحقیقات کمی با رویکرد کاربردی و مبتنی بر روش همبستگی با رویکرد پیمایشی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داد که عضویت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی، نه تنها به‌طور مستقیم منجر به کاهش سطح رضایت از زندگی می‌گردد، بلکه بهره‌گیری از آن‌ها به شکل غیرمستقیم و با متأثر ساختن احساس امنیت اجتماعی، بر رضایت از زندگی کاربران تأثیر می‌گذارد. به بیانی دیگر، استفاده از این رسانه‌های اجتماعی با ایجاد هراس و ناامنی فکری، روانی، هویتی و فرهنگی، منجر به تنزل میزان رضایت از زندگی و سطوح کیفیت زناشویی کاربران می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی، احساس امنیت اجتماعی، رضایت از زندگی، کاشان

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. (نویسنده مسئول)

S.s.z.h.1022@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

مقدمه

شبکه‌های مجازی با انتقال سریع اطلاعات و سرمایه‌ها و نیز امکان تعاملات آنی و برخط میان کاربران در سراسر جهان، عملاً فواصل زمانی و مکانی را محو کرده و با بسط معانی جدیدتری از زمان و مکان، منجر به ایجاد تحولاتی در فضای امنیتی جوامع شده است. این شبکه‌ها در سطح اجتماعی با برهم زدن جهت‌گیری‌های متداول نظام‌های اجتماعی در حوزه‌های کنترلی، آن را دچار برخی بی‌نظمی‌ها، کاهش قابلیت پیش‌بینی و کنترل کرده و در سوی دیگر به واسطه بسط و گسترش اطلاعات غلط و ایجاد هیجانات کاذب، افکار عمومی را در اشکال منفی و نامطلوب شکل داده و ادراک کاربرانشان را از جهان اطراف متأثر ساخته است. در ابعاد فردی‌تر، به کرات مشاهده شده که نقض حریم خصوصی در بستر این رسانه‌ها و گسترش تصاویر، ویدئوها و سایر مقولات شخصی در این فضا منجر به بسط حس ناامنی در ضمیر کاربران گردیده است، چراکه عموماً در شبکه‌های اجتماعی، جزئی‌ترین اطلاعات مرتبط به کاربران نیز قابل دریافت و انتشار است و آثار روحی و روانی ناشی از این امر، به تدریج سبب کاهش میزان رضایت از زندگی کاربران می‌گردد. غلبه احساس ناامنی بر جامعه، نشاط و سلامتی با ایجاد موانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند و اثرات روان‌شناختی وسیعی نظیر اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا، عدم خرسندی، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی پایین را در زندگی افراد ایجاد می‌نماید به‌ویژه آنکه در فضایی که اطلاعات از جوامع دیگر ارسال گردد. بر این اساس، هدف از این پژوهش تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی بر رضایت از زندگی کاربران با تأکید بر نقش میانجی‌گرانه احساس امنیت اجتماعی در میان شهروندان کاشانی است. انتخاب کاشان به‌عنوان محیط انجام این تحقیق بدین علت بوده است که این شهرستان در میان دیگر فضاها شهری استان اصفهان، از گذشته تا به حال همواره درصدد حفظ ماهیت مذهبی خود بوده و گسترده‌گی مساجد، حسینیه‌ها و تکایا در این شهر، همواره جلوه و نمودی معنوی بدان بخشیده است.

لیکن طی سال‌های اخیر با گسترش رسانه‌های اجتماعی نظیر شبکه‌های اجتماعی مجازی، فضای این جامعه نیز به نوعی درگیر گذر از سنت‌های کهن و گذار به ارزش‌های مدرن ارتباطی بوده و از این حیث، بعضاً شاهد تغییرات ارزشی و هنجاری به‌ویژه نزد جوانان کاشانی بوده‌ایم. لذا بررسی اثرات این شبکه‌ها و نقشی که در رضایت از زندگی شهروندان داشته است، همواره امری حائز اهمیت تلقی گردیده است. بر این مبنا، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که عضویت و استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی، چه اثراتی بر احساس امنیت اجتماعی کاربران داشته و متعاقب آن در رضایت از زندگی شهروندان کاشانی چه تغییراتی ایجاد نموده است؟ فرضیه مقاله این است که دنیای مجازی افراد را در معرض اختلالات درونی سازی شده‌ای قرار می‌دهد که به همراه خود، مخاطراتی چون کاهش رضایت از زندگی و کاهش کیفیت زندگی در افراد را به دنبال آورده و اثرگذاری منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی نیز دارد.

پیشینه تحقیق

در حوزه مطالعات داخلی مرتبط با موضوع این پژوهش، گودرزی (۱۳۹۷) با ارزیابی رابطه و «تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر میزان رضایت زناشویی زوجین» بدین نتیجه دست یافته است که افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش میزان رضایت زناشویی است. درعین حال، میانگین رضایت زناشویی زوجین غیر کاربر از کاربران شبکه‌های اجتماعی بالاتر بوده است. جعفری و پورپناهی (۱۳۹۶) در تحقیقی به روش پیمایشی و ارزیابی ۳۸۴ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اردبیل به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به ارزیابی «رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بانظم اجتماعی» پرداخته و بدین نتیجه دست یافته‌اند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بانظم اجتماعی و ابعاد آن (جامعه‌پذیری، قانونمندی، تعهد به هنجارهای شهری و امنیت اجتماعی) همبستگی مثبت و معنی‌داری داشته است. نواح و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با ارزیابی ۲۰۱ نفر از اعضای کانون بازنشستگان آموزش و پرورش شهرستان جهرم، به بررسی

«عضویت در شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر رضایت از زندگی در میان سالمندان» پرداخته و بر ارتباط مثبت میان دسترسی به شبکه‌ها و رضایت از زندگی قشر سالمند تأکید کرده‌اند. در این تحقیق مشخص گردیده که میزان رضایت پاسخگویان از شبکه‌های خویشاوندی همچون دوستان و اعضای خانواده بالاتر از رضایت از شبکه‌های غیر خویشاوندی بوده است. عباسی و همکاران (۱۳۹۴) طی تحقیقی پیمایشی با بررسی ۲۰۰ نفر از کاربران فضای مجازی شهرستان ایلام و با تمرکز بر ارزیابی «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر نظم اجتماعی» نشان داده‌اند که در گروه‌هایی که اعضای آن‌ها به‌طور فعال در شبکه‌های اجتماعی مجازی حضور به عمل می‌رسانند، نظم اجتماعی در سطوح پایین‌تری قابل مشاهده بوده و از این رو، عضویت و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، عامل تنزل نظم و امنیت محسوب می‌گردد (جعفری و پور پناهی، ۱۳۹۶).

اناری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در قالب پژوهشی با عنوان «رضایت از زندگی، اختلالات درونی سازی شده و برونی‌سازی شده در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی و غیر کاربران» به بررسی ۲۰ نوجوان در قالب سه مرکز مشاوره در شهر تهران پرداخته و نشان داده‌اند که نوجوانان گروه آزمایش در قیاس با گروه کنترل، به شکل معنی‌داری نشانه‌های اختلالات درونی سازی شده را بروز داده‌اند. در عین حال، نوجوانانی که از شبکه‌های اجتماعی بهره گرفته بودند، میزان رضایت از زندگی پایین‌تری را نیز گزارش نموده‌اند.

در حوزه مطالعات خارجی، زهان^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در قالب مقاله‌ای با عنوان «ادراک اثرگذاری رسانه‌های اجتماعی بر رضایت از زندگی مردم به‌واسطه سازوکارهای رقابتی» طی نوعی نظرسنجی آنلاین و بهره‌گیری از روش حداقل مربعات جزئی، نشان داده‌اند که بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی، در عین آنکه با افزایش سود و مزایای اجتماعی قادر به افزایش رضایت از زندگی کاربران است، می‌تواند با افزایش پیامدهای منفی همچون اضافه‌بار اجتماعی بر رضایت از زندگی کاربران اثر بگذارد. لذا

^۱ Zhan

همواره می‌بایست به‌جای در نظر گرفتن اثرات منفرد منفی یا مثبت این شبکه‌ها، کارکردهای دوگانه و دوطرفه آن‌ها مدنظر قرار گیرد.

دوگان^۱ (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تأثیرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر شادی، بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان دبیرستانی: مورد مطالعه فیس‌بوک و توییتر» به ارزیابی ۴۵۹ دانش‌آموز در منطقه بولو ترکیه پرداخته و نشان داده است که بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقش مؤثری در بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان داشته است.

یو و شک^۲ (۲۰۱۸) طی تحقیقی با عنوان «روابط بین اعتیاد به اینترنت و میزان رضایت از زندگی و ناامیدی در نوجوانان» نشان داده‌اند که اعتیاد به فضای مجازی پیش‌بینی‌کننده میزان پایین رضایت از زندگی و ناامیدی در نوجوانان است و به‌منظور بهبود کیفیت زندگی نوجوانان باید راهبردهایی اتخاذ کرد تا به کاهش رفتارهای اعتیادآور مربوط به اینترنت کمک نماید (به نقل از ذیحی، ۱۳۹۹).

استیگر^۳ (۲۰۱۹) نیز در قالب تحقیقی با عنوان «استفاده از فیس‌بوک و رضایت از زندگی» به ارزیابی دو گروه ۲۷۲ و ۴۵۹ نفره از کاربران فیس‌بوکی و غیرفیس‌بوکی پرداخته و نشان داده است که میزان رضایت از زندگی کاربران فیس‌بوک پایین‌تر از گروه غیر کاربر بوده و میان مدت‌زمان استفاده از فیس‌بوک و رضایت از زندگی، رابطه معکوسی وجود داشته است، چراکه فیس‌بوک منجر به ایجاد ارتباطات بی‌هوده و اعتیاد به فضای مجازی گردیده و در نتیجه، میزان بهزیستی و رضایت از زندگی را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب، مروری بر مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که بخش اعظمی از تحقیقات موجود، ابعاد کارکردی و مثبت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباط با نظم، امنیت و رضایت از زندگی را مورد توجه قرار داده‌اند، این مطالعات عمدتاً در میان نوجوانان و جوانان یا

¹ Dugan

² Yen & Shek

³ Stieger

گروه‌های خاصی نظیر سالمندان صورت پذیرفته و بعضاً شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی (دوستانه، خانوادگی) را مدنظر قرار داده‌اند. بر این مبنای، در این تحقیق تلاش گردیده تا اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی و سویه‌های پنهان آن بر رضایت از زندگی و احساس امنیت در میان عموم شهروندان مورد توجه قرار گیرد.

ادبیات پژوهش

۱. شبکه‌های اجتماعی مجازی

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی برای نخستین بار توسط بارنز^۱ به سال ۱۹۵۴ مطرح شد. در نظریه شبکه اجتماعی سنتی، شبکه اجتماعی، به مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی همچون مردم و سازمان‌ها اشاره داشته که به وسیله گروهی از روابط معنی‌دار اجتماعی به یکدیگر متصل بوده و در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها باهم تعامل دارند. شکل سنتی شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره تأکید داشته، لیکن خدمات شبکه‌های اجتماعی در جوامع معاصر بیشتر بر جامعه مجازی برخط و تعاملات رایانه‌ای واسط متمرکز هستند (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). باید گفت امروزه در سرتاسر جهان، تغییرات اجتماعی و فناورانه به‌ویژه با ظهور اینترنت به‌طور پیوسته عرصه‌های وسیعی از زندگی بشری را تحت الشعاع قرار داده است و از همین رو، شبکه‌های اجتماعی مجازی، سکان‌داران اصلی محیط‌های اینترنتی هستند که از بالاترین میزان شباهت با جوامع انسانی برخوردار بوده و امکان تعامل و شکل‌گیری ارتباط با سایرین، بدون هرگونه محدودیت مکانی، زمانی، سیاسی، فرهنگی و غیره را فراهم آورده‌اند. این شبکه‌ها محصول تعامل و ارتباط‌گیری میان نوع بشر و رایانه‌ها و توصیف‌کننده ارتباطاتی می‌باشند که انسان‌ها به واسطه ابزارهای فناورانه ارتباطی نظیر تلفن‌های همراه هوشمند ایجاد کرده و انسان را به‌نوعی وارد عصر شبکه‌های انسانی در قالب فناوری‌های نوین نموده‌اند (جعفری و

^۱ Barenz

همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، رسانه‌های اجتماعی توصیف‌کننده ابزارهای آنلاین می‌باشند که شهروندان از آن‌ها در راستای اشتراک‌گذاری محتوا، پروفایل‌ها، نظرات، دیدگاه‌ها، تجربیات و افکار بهره می‌گیرند (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۱). بر این مبنای شبکه‌های اجتماعی مجازی، پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی می‌باشند که برای کاربران این مزیت را فراهم می‌سازند تا قادر باشند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌هایشان را با دیگران به اشتراک گذاشته و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم گردند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب بوده که این امکان را برای کاربران تأمین می‌کند تا توصیفات عمومی یا خصوصی از خود ایجاد نموده، با سایر کاربران شبکه ارتباط برقرار کرده و منابع خود را با آن‌ها سهیم گردند (بوید و الیسون^۱، ۲۰۰۷: ۲۱۲). امکان ایجاد مکان مجازی بدون توجه به سرحدات جغرافیایی، زبانی، جنسی و فرهنگی در جهان فراواقعی و ایجاد برای گردهمایی میلیون‌ها کاربر، ارتباطات جمعی، تشکیل اجتماعات مجازی با قابلیت‌ها و کارکردهای متعددی همچون به اشتراک‌گذاری اطلاعات، بسیج‌کنندگی و سازمان‌دهی، بسط دوستی‌ها، توسعه حلقه‌های مخاطبان، چندرسانه‌ای بودن، ارائه انتقادات بی‌رحمانه، ایجاد پرستیژ، شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی، بیان ایده‌ها، افکار و سلايق به شکل آزادانه و غیره میسر است (نقیب‌السادات و قصابی، ۱۳۹۲: ۲۱۹). از این رو به باور بسیاری از محققین، شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعاملات صورت گرفته در این محیط‌ها، بسترهای شکل‌گیری عادت و اژه‌های جدیدی را فراهم کرده‌اند که خود به کنش و انتخاب‌های متفاوتی منتهی شده و با توسعه ارتباطات هم‌زمان و ناهم‌زمان و ایجاد دسترسی به گستره وسیعی از داده‌ها، نفوذ شدیدی در زیست جهان‌های کاربران پیدا کرده‌اند، به طوری که از هر ۱۰ کاربر فضای مجازی در دنیا، شش نفر از این شبکه‌ها بازدید می‌نمایند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). جسیکا هیلبرمن^۲

¹ Boyd & Ellison

² Hilberman

(۲۰۰۹) باور دارد که «امروزه بسیاری از جوانان برای ساختن زندگی خود از روابط و مناسبات اینترنتی و فعالیت‌های اجتماعی شبکه‌ای بهره می‌گیرند و فعالیت در این شبکه‌های اجتماعی، همه ابعاد زندگی آن‌ها را فراگرفته است (به نقل از بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۱: ۳۴). لذا جذابیت شبکه‌های اجتماعی و سهولت فعالیت در این گروه از جوامع مجازی سبب گردیده تا بررسی ارتباط میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات مربوط به ابعاد مختلف زندگی به یکی از دغدغه‌های محققین حوزه علوم اجتماعی بدل شود. در این بستر، شواهد موجود گویای آن هستند که عضویت و استفاده از این شبکه‌های مجازی در عین آنکه می‌تواند کارکردهای مثبت متعددی برای کاربران نشان به همراه داشته باشد (نظیر به اشتراک گذاردن اطلاعات، توسعه روابط دوستانه و حلقه‌های ارتباطی، گپ زدن، دنبال کردن و دنبال شدن، توسعه خرد جمعی، سرگرمی، اطلاع‌رسانی، شفافیت بیشتر، جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی، بسط همبستگی اجتماعی و غیره)، قادر است بسترهای تجاوز به حریم خصوصی، سوءاستفاده‌های اقتصادی و بسط و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم سازند (حبیب زاده، ۱۳۹۷). باید گفت بدون شک، میزان استقبال از ارتباطات شبکه‌ای، تغییراتی را در تعاملات انسانی و نیز بخش زیادی از مؤلفه‌های بنیادین مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی همچون نظم و امنیت عمومی ایجاد می‌نماید.

رضایت از زندگی

رضایت از زندگی، از مهم‌ترین ابعاد رفاه و بهزیستی اجتماعی و فردی محسوب می‌شود که به دست دادن مفهومی دقیق از آن بس دشوار است؛ گروهی آن را در نیل به اهدافی خاص دانسته و سایرین رضایت از زندگی را برخورداری از تحصیلات دانشگاهی، ازدواج، سلامت، کامیابی شغلی و فرزندان موفق و سالم دانسته‌اند. رضایت از زندگی، ادراک فرد از عملکرد یا شرایط زندگی و نیز ارزیابی شخصی وی از سلامت و

بهبودی‌اش بوده که شامل رویکرد اطرافیان در مورد زندگی فردی، رضایت فرد از زیست گذشته، حال و آینده و میل به بهبود کیفیت زندگی است (زبردست، ۱۳۹۰). پات و دینر^۱ (۱۹۹۳) رضایت از زندگی را سازه‌ای متمایز توصیف نموده‌اند که گویای ارزیابی سراسری و شناختی کیفیت زندگی فرد به‌عنوان یک کل است. مارتیکاینن^۲ (۲۰۰۹)، رضایت از زندگی را مترادف با شادکامی، رفاه و بهزیستی ذهنی و رفاه و بهزیستی ذهنی دانسته‌اند (مک دوول^۳، ۲۰۱۰). به‌عبارت‌دیگر، رضایت از زندگی، فرایند ارزیابی‌ای است که بر اساس آن فرد به‌صورت شناختی، میزان رضایت از زندگی‌اش را بر اساس معیارهایی شخصی و خودگزين، نشان می‌دهد. قضاوت پیرامون رضایت از زندگی مبتنی بر مقایسه‌ی اوضاع فردی با آن وضعیتی است که به نظر مطلوب می‌آید. بدین ترتیب، رضایت کلی از زندگی، ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی و نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی است که او را فراگرفته و در آن زندگی می‌کند. در واقع، رضایت از زندگی میزان خشنودی و احساس مثبت فرد از زندگی اجتماعی است که موجب پیوستگی و افزایش فعالیت‌های اجتماعی فرد و ارتقاء همبستگی اجتماعی می‌گردد. در رویکردهای جامعه‌شناسی عمدتاً رضایت از زندگی را در تعاملات نظام جامعه و شخصیت بررسی می‌کند. طبق این دیدگاه، در صورتی که چهار نظام بتواند پاسخگوی نیازهای فردی انسان باشد، می‌تواند رضایت از زندگی را فراهم سازد (هزارجریبی و فعلی، ۱۳۹۴: ۱۱۹): نظام اقتصادی با فراهم کردن نیازهای معیشتی افراد سلامت و احساس آسایش مادی، نظام سیاسی با تأمین نیاز امنیت و عدالت، نظام اجتماعی با کاهش نابرابری‌ها و ایجاد تحرک اجتماعی و درنهایت نظام فرهنگی با تأمین حس عزت‌نفس و ایجاد هویت فردی، رضایت و خشنودی افراد را به ارمغان می‌آورد. علاوه بر ظهور هویت‌های جعلی، تخریب زیرساخت‌های فکری، ترویج و اشاعه افکار منفی و ضد دین، قبح‌زدایی از ارزش‌ها و

¹ Pavot & Diener

² Martikainen

³ McDowell

تضعیف باورهای سنتی و هنجارهای اجتماعی، رواج الگوها و مدل‌های جدید و متعارض با ارزش‌های اجتماعی، تولید محتواهای نامناسب، عادی‌سازی روابط غیراخلاقی میان کاربران، فروپاشی روابط نهادینه اجتماعی و بسط فردگرایی، انزوا و پرخاشگری و غیره از مواردی است (ر.ک ندری و بخشایش، ۱۳۹۷: ۱۴۱) که عضویت و بهره‌گیری از محتواهای نامطلوب شبکه‌های اجتماعی مجازی به همراه داشته و ماحصل آن‌ها افزایش احساس ناامنی و تضعیف رضایت از زندگی به‌ویژه در میان جوانان بوده است. در این زمینه، نی و فان^۱ (۲۰۱۰) طی پژوهشی بر میان کاربران شبکه‌های اجتماعی مالزیایی بر این امر تأکید می‌نمایند که بهره‌گیری از این رسانه‌ها منجر به تنزل یکی از مهم‌ترین ابعاد بهزیستی روانی نوجوانان ۱۸-۱۴ ساله، یعنی رضایت از زندگی می‌گردد (اناری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

احساس امنیت

امنیت در لغت گویای فقدان دغدغه، رهایی از نگرانی، اضطراب و مخاطرات گوناگون بوده و مقوله امنیت، اشاره به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد به فقدان هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن از حقوق و آزادی‌ها و مصونیت از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آسایش انسان را از بین ببرد، اشاره دارد (Jones, 1999: 102).

پیرامون واقعیت عینی امنیت، دو رهیافت نظری که مشتق از اندیشه‌های هابز بوده و به ارزش‌های عینی بهاء می‌دهند، به رهیافت‌های «دولت‌محور» و «قدرت‌محور» شهرت یافته‌اند. رویکردهای مذکور امنیت را وضعیتی تلقی می‌کنند که توسط دولت برای صیانت مردم در قبال تهدیدات بیرونی ایجاد می‌گردد، لذا مرجع اصلی تحقق امنیت اجتماعی در جامعه، دولت تصور می‌شود که با دو روش مستقیم (پلیس و قوه قضائیه) و غیرمستقیم (خانواده و آموزش و پرورش) به برپایی نظم و امنیت در جامعه می‌پردازد. در سوی دیگر طیف، رهیافت‌های «جامعه‌محور» و «هویت‌محور»، با تأکید بر دو عنصر

¹ Nee & Fan

ارزش‌ها و هویت گروه‌های اجتماعی، مهم‌ترین منبع تحقق امنیت اجتماعی را خود جامعه و گروه‌های گوناگون موجود در آن دانسته و تحقق امنیت را حاصل شرایطی تلقی کرده‌اند که در آن گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها به راحتی بتوانند ابراز وجود نمایند و ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح سازند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹).

امنیت در بعد ذهنی خود شامل احساس امنیت بوده و وجود احساس امنیت در جامعه به همان اندازه وجود عینی امنیت آن حائز اهمیت است. منظور از احساس امنیت، احساس آزادی نسبی از خطرانی است که وضعیت خوشایندی در افراد جامعه ایجاد کرده و فرد در آن موقعیت احساس آرامش جسمی و روحی می‌کند. به بیانی، احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از وجود یا عدم وجود امنیت در آن جامعه اطلاق می‌گردد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). احساس امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را پوشش می‌دهد.

چارچوب نظری

شبکه‌های اجتماعی مجازی در سطوح سه‌گانه خرد، میانی و کلان قادرند تا بر شکل‌گیری نظم و احساس ناامنی و به تبع آن، بسط رضایت یا نارضایتی از زندگی اثر بگذارند. شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌ویژه گروهی از آن‌ها که در نظام اجتماعی و فرهنگی غربی رشد و نمو یافته و همسو با ساختارهای فرهنگی آن جوامع تشکل یافته‌اند، از یک‌سو، به‌واسطه اثرگذاری بر افکار عمومی در جامعه و بسط آگاهی‌های عمومی و از جانب دیگر، به‌واسطه الگوسازی قادرند بر نحوه زیست و رفتار شهروندان اثر بگذارند (لیبی، ۱۳۹۱: ۱۴۲؛ جعفری و پورپناهی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). در این بستر می‌توان بیان نمود که شبکه‌های اجتماعی مجازی بالأخص در جوامع توسعه‌نیافته و در حال توسعه، به دلایل گوناگون در خدمت اهداف و منافع فردی و سیاست‌های اجتماعی این جوامع قرار

نگرفتند، امری که سبب کاهش حس امنیت و متعاقب آن تنزل رضایت از زندگی در سطوح کلان می‌گردد. از جمله این علل می‌تواند به این موارد اشاره نمود:

۱- بومی نبودن فناوری‌ها و به‌ویژه فضای مجازی و وب و در حالت‌های پیچیده‌تری آن، شبکه‌های اجتماعی که پدیده‌های وارداتی و نوظهور تلقی می‌گردیدند،

۲- عدم ثبات سیاسی پایدار و نهادینه که تشکیل‌دهنده امنیت پایدار است. بر مبنای نوعی قاعده فلسفه سیاسی، همواره فاصله‌ای میان خواست‌های توده‌های مردم با سیاست‌های دولتی و حکومتی وجود داشته که بر اساس نظام‌های گوناگون، عمق این شکاف‌ها متفاوت است. به هر اندازه حاکمیت‌ها از استبداد بیشتری برخوردار باشند، شکاف مذکور افزایش بیشتر یافته و به هر اندازه این حاکمیت‌ها بر اساس مردم‌سالاری شکل بگیرد، این فاصله کاهش خواهد یافت. جریان اطلاعات که در قرون گذشته نزد طبقات حاکم جامعه محفوظ بود، به کمک این فناوری‌های نوین به میان شهروندان سوق یافته است. به هر اندازه که شهروندان با نظام خود هماهنگ باشند، این ابزارها نیز از حکم وسایل تهدیدآمیز به فرصت و یا به نوعی یک پدیده واقعی تبدیل خواهند گشت.

۳- تغییرات اجتماعی که بخش جدایی‌ناپذیر جوامع پویا را شکل داده و در برابر سیاست‌ها و استراتژی‌های ثابت حاکمیتی، آن‌ها را دستخوش چالش می‌گرداند،

۴- اعمال نفوذ جوامع استعماری که سیاست‌های جدیدی را در راستای همراه نمودن اذهان مردم سایر جوامع با خود تدارک دیده‌اند (عین بیگی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸).

این موارد سبب می‌گردند تا رسانه‌های جدیدی نظیر شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی با توجه به فقدان محدودیت‌ها و کنترل ضعیفی که بر محتوا و متن آن‌ها وجود دارد، امنیت یک جامعه را دستخوش تأثیر قرار دهند. در عین حال، در سطوح خرد، شبکه‌های اجتماعی مجازی و دیگر رسانه‌های اجتماعی به سهولت قادرند تا امنیت ذهنی و روانی شهروندان را متأثر ساخته و با تلقین حس ناامنی، روابط اجتماعی را مشوش ساخته و

به واسطه تغییر بینش‌ها و جابجا نمودن ارزش‌ها، زیرساخت‌های فرهنگی یک جامعه را به فساد آلوده نمایند. این گروه رسانه‌ها از یک سو قادرند تا حریم شخصی افراد را نادیده گرفته و زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها را با خطرات گسترده‌ای مواجه سازند، در عین حال می‌توانند نظام‌های دولتی را با انبوهی از مسائل و چالش‌ها روبرو کنند.

رسانه‌های اجتماعی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی، در عمل، مرزهای مکانی و به تبع آن، اصول حاکمیتی جوامع مختلف را نادیده گرفته و نظام‌های سیاسی را با بحران‌های گوناگونی از جمله بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه می‌سازند. در عین حال، به چالش کشیدن کارآمدی، بی‌اعتماد نمودن شهروندان نسبت به مسئولین و رسانه‌های خودی و اختلال در نظام ارتباطی دولت از دیگر روش‌های رایجی بوده که به واسطه آن این شبکه‌های اجتماعی می‌توانند امنیت اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار دهند. بدین ترتیب، شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی با توجه به ماهیت دوجبهی که دارند، در بعد منفی به تضعیف هویت‌های ملی و چند شخصیتی شدن کاربران کمک می‌کنند. توسعه شکاف‌های هویتی و نیز ظهور هویت‌های غیرواقعی و کاذب در فضای شبکه‌ای، تغییر نظام فکری و اندیشه‌ای، توسعه نسبی گرای، بسط ضد ارزش‌ها و نشر اندیشه‌های فرق‌انحرافی و جریان‌های ضد دینی از دیگر کارکردهای شبکه‌های اجتماعی خارجی بوده که ناامنی فکری و اجتماعی را در جامعه رواج داده و تدریجاً رضایت کاربران را از وضعیت خود، خانواده، جامعه محلی و به‌طور کلی نظام اجتماعی را به همراه می‌آورد (ندری و بخشایش، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

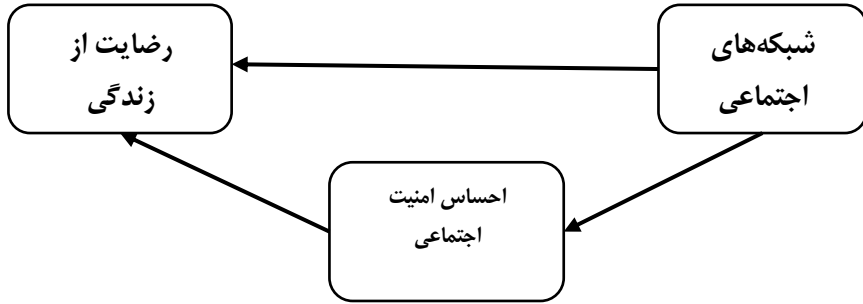
این گروه از شبکه‌های اجتماعی به واسطه هنجار سازی‌های متعارض، انتقال و نشر برخی ناهنجاری‌ها و جایگزین نمودن آن‌ها با مدل‌های رفتاری معارض با نظام ارزشی حال جامعه و اشاعه فرهنگ غربی، رواج دادن فساد و فحشا، طلاق‌های عاطفی، عادی جلوه دادن روابط غیرمتعارف و به‌طور کلی ضعیف نمودن نهاد خانواده و مسلط ساختن گرایز بشری بر عقلانیت، تغییر شیوه و سبک زندگی به واسطه تبلیغ مدل‌های پوششی نامناسب و

عادات غذایی نامطلوب و بسیاری از عملکردهای پیدا و پنهان دیگر، حس ناامنی را در جامعه بسط می‌دهد. درعین حال، بنا بر فرضیه کاهش (والکنبرگ و پیترا، ۲۰۰۹) استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و به‌نوعی اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و بهره‌گیری طولانی مدت از آن‌ها نه تنها منجر به جدایی فرد از خانواده و دوستان و نیز تنهایی و انزوای وی می‌گردد، بلکه اثرات منفی بر رضایت از زندگی فرد می‌گذارد (ر.ک اناری و همکاران، ۱۳۹۳:۱۳۱).

به‌طور کلی، این پژوهش متکی بر نوعی رویکرد عینی گرا^۲ بوده که در برخورد با جامعه و وقایع اجتماعی، رویه‌ای ذهنی را به‌عنوان فرع این واقعیت‌ها و یا نتیجه آن‌ها در نظر می‌گیرد و شأن هستی‌شناختی آن‌ها را به نازل‌ترین سطوح تقلیل می‌بخشد. بررسی رضایت از زندگی نیز در لوای نحوه تبلور آن در ذهن افراد، همچون پدیده‌ای که به آگاهی انسانی وارد می‌شود، نیز در کنار دیگر پدیده‌ها نیازمند ارزیابی نظری و تجربی جامعه‌شناختی بوده؛ بدین معنی که در جهان معاصر جدای از فراهم‌سازی رضایت در ابعاد عینی، نحوه بروز و تبلور ذهنی و به آگاهی درآمدن آن نیز واجد اهمیت بوده (نظریه تولید رضایت) و بر این اساس، عضویت شبکه‌ای در کانال‌های مجازی خارجی به‌واسطه کارکردهای منفی پیش‌گفته و نقشی که در تنزل احساس امنیت دارد، مسبب کاهش رضایت در ابعاد ذهنی و عینی می‌گردد. با توجه به چارچوب نظری تحقیق، مدل نظری ذیل به‌منظور بررسی‌های تجربی ارائه شده است.

¹ Valkenburg & Peter

² objective



شکل مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱. ارتباط معنی‌داری میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی (تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و فیس‌بوک) با رضایت از زندگی شهروندان کاشانی وجود دارد.
۲. ارتباط معنی‌داری میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی (تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و فیس‌بوک) با احساس امنیت اجتماعی شهروندان وجود دارد.
۳. ارتباط معنی‌داری میان احساس امنیت اجتماعی شهروندان کاشانی با رضایت از زندگی آن‌ها وجود دارد.
۴. بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق کاهش احساس امنیت اجتماعی کاربران، میزان رضایت از زندگی شهروندان کاشانی را کاهش می‌دهد.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ روش از نوع تحقیقات کمی با رویکرد کاربردی و مبتنی بر روش همبستگی با رویکرد پیمایشی تک مقطعی است. جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده تمامی شهروندان ۲۵ تا ۶۰ ساله شهر کاشان بوده که بنا بر آخرین داده‌های مرکز آمار ایران شامل ۱۸۰۵۶۵ نفر می‌باشند. بر این اساس، به منظور تعیین تعداد مطلوب حجم نمونه، از جدول مورگان بهره گرفته که بر مبنای آن، ۳۸۳ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. همچنین

به منظور گردآوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده؛ بدین صورت که نخست نواحی پنج‌گانه شهر کاشان (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب) بر اساس نقشه‌های به دست آمده از مرکز شهرداری به مناطقی طبقه‌بندی گردیده، سپس از هر ناحیه ۲ منطقه به عنوان نمونه به روش تصادفی ساده برگزیده شده و با گزینش تصادفی محلاتی از این نواحی، فرایند گردآوری داده‌ها صورت پذیرفته است. همچنین به منظور گردآوری داده‌های نظری از روش اسنادی و در راستای جمع‌آوری داده‌ای تجربی از روش میدانی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. مقیاس‌های مورد استفاده در پرسشنامه، شامل مقیاس رضایت از زندگی داینر (۱۹۸۵) (۵ گویه) و مقیاس محقق ساخته احساس امنیت اجتماعی (۲۰ گویه) بوده است. همچنین به منظور سنجش شاخص شبکه‌های اجتماعی مجازی، وضعیت عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت در این شبکه‌ها مورد پرسش واقع شده‌اند. جهت تعیین اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری (وفاق داوران در مورد شاخص‌ها) و به منظور ارزیابی میزان پایایی مفاهیم و ابعاد مورد سنجش، از روش همبستگی درونی آلفای کرونباخ بهره گرفته شده که شاخص‌ها از پایایی مطلوبی برخوردار بودند؛ رضایت از زندگی (۰/۸۷)، احساس امنیت (۰/۷۶). در عین حال، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و با بهره‌گیری از آماره‌های گرایش به مرکز و ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل‌های رگرسیونی صورت پذیرفته است.

یافته‌ها

۱. سیمای جمعیتی پاسخگویان

بررسی توصیفی داده‌ها در حوزه متغیرهای زمینه‌ای نشان داد که به لحاظ جنسی ۶۰/۱ درصد از حجم نمونه مذکر و ۳۹/۹ درصد مؤنث و از نظر سنی، ۵۲/۲ درصد آن‌ها واقع در سنین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۲۱/۴ درصد ۳۶ تا ۴۵ سال، ۱۵/۱ درصد ۴۶ تا ۵۵ سال و ۱۱/۲ درصد ۵۶ تا ۶۰ سال بودند. از نظر تحصیلات، ۲۰/۹ درصد آن‌ها دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر، ۲۴/۳ درصد فوق دیپلم، ۳۷/۹ درصد کارشناسی و ۱۷ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر

بوده، از نظر شغلی ۵۰/۸ درصد دارای مشاغل آزاد، ۳۴/۲ درصد دولتی و ۱۵ درصد بیکار بوده و از نظر وضعیت تأهل، ۷۴/۴ درصد از حجم نمونه متأهل و ۲۵/۶ درصد آن‌ها مجرد بودند.

۲. یافته‌های توصیفی

در ادامه به وضعیت عضویت و استفاده و میزان فعال بودن کاربران در شبکه‌های اجتماعی خارجی و تحلیل آن پرداخته خواهد شد:

جدول وضعیت عضویت، استفاده و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی

نوع شبکه	مدت زمان عضویت	درصد	میزان استفاده و مشارکت	درصد
تلگرام،	کمتر از ۱ سال	۴/۹	تلگرام	۳۴/۷
اینستاگرام،	۱ تا ۲ سال	۱۸/۸	اینستاگرام	۲۱/۹
تویتر،	۲ تا ۳ سال	۲۸/۳	تویتر	۱۱/۷
واتساپ،	۳ تا ۴ سال	۳۰/۵	واتساپ	۲۶/۱
فیس‌بوک	۴ سال به بالا	۱۷/۵	فیس‌بوک	۵/۵

بنا بر یافته‌های توصیفی تحقیق، شهروندان مورد بررسی در یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام، اینستاگرام، تویتر، واتساپ و فیس‌بوک و یا گروهی از این شبکه‌ها عضویت دارند. از نظر مدت زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۴/۹ درصد آن‌ها کمتر از یک سال، ۱۸/۸ درصد بین ۱ تا ۲ سال، ۲۸/۳ درصد بین ۲ تا ۳ سال، ۳۰/۵ درصد بین ۳ تا ۴ سال و ۱۷/۵ درصد ۴ سال به بالا در این شبکه‌ها عضویت دارند. در عین حال، بررسی میزان عضویت کاربران این شبکه‌ها گویای آن است که به ترتیب میزان استفاده از رسانه‌های تلگرام (۳۴/۷ درصد)، واتساپ (۲۶/۱ درصد)، اینستاگرام (۲۱/۹ درصد)، تویتر (۱۱/۷ درصد) و فیس‌بوک (۵/۵ درصد) بالاتر از سایر رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

۲. یافته‌های استنباطی

در ادامه به استخراج داده‌ها در جدول و میانگین شاخص رضایت از زندگی در میان شهروندان کاشانی اشاره خواهد شد:

جدول توصیف متغیرهای احساس امنیت و رضایت از زندگی

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	اصلاً کم	متوسط	زیاد
رضایت از زندگی	۱۲	۵۵	۴۴٫۲	۸٫۷	۴٫۱	۱۹٫۳	۳۱
احساس امنیت از زندگی	۴	۲۰	۱۰٫۸	۵٫۶	۲٫۲	۲۹٫۹	۳۱٫۷
	۴	۱۷	۱۱٫۹	۴٫۴	۴٫۶	۳۱	۲۲٫۵
	۴	۱۸	۱۱٫۱	۶٫۶	۵٫۷	۲۴	۲۰
	۴	۱۸	۱۲٫۲	۵٫۲	۸٫۳	۱۵٫۲	۲۹٫۶
	۲۰	۹۴	۷۴٫۷	۹٫۱	۵٫۲	۲۵	۲۵٫۹

شواهد آماری در حوزه توصیف متغیرهای اصلی تحقیق نشان می‌دهد که میانگین شاخص رضایت از زندگی در میان شهروندان کاشانی ۴۴/۲ با انحراف معیار ۸/۷ است. بر این اساس، ۳۱ درصد از شهروندان کاشانی واقع در حجم نمونه این تحقیق رضایت زیادی از زندگی خویش در ابعاد شغلی، خانوادگی، فردی و غیره داشته و میزان رضایت از زندگی ۴۸/۳ درصد در حد متوسط و ۱۹/۳ درصد در حد کم است. در عین حال، ۴/۱ درصد از آن‌ها نیز اصلاً از زندگی خویش رضایت ندارند. همچنین، از نظر شاخص میانجی احساس امنیت اجتماعی، نتایج گویای آن هستند که میانگین احساس امنیت اجتماعی شهروندان ۷۴/۷ با انحراف معیار ۹/۱ است. بدین معنی، ۲۵/۹ درصد از شهروندان کاشانی احساس امنیت اجتماعی بالایی دارند. همچنین، میزان احساس امنیت ۴۳/۸ درصد آن‌ها در حد متوسط و ۲۵ درصد در حد کم است. همچنین، ۵/۲ درصد آن‌ها اصلاً احساس امنیت نمی‌کنند. تحلیل مقایسه‌ای ابعاد شاخص احساس امنیت اجتماعی نیز نشان می‌دهد که

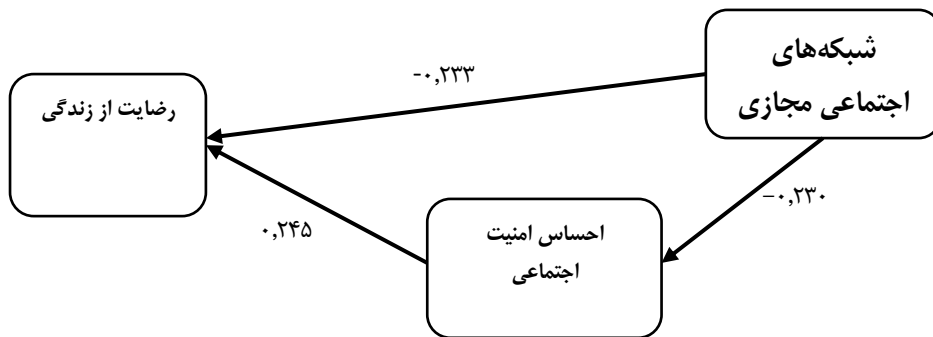
بالاترین میزان احساس امنیت در ابعاد سیاسی و پایین‌ترین میزان احساس امنیت در ابعاد فکری و روانی قابل ملاحظه است. در بعد تحلیلی، به منظور انتخاب نوع آزمون‌های مقتضی (پارامتریک/ ناپارامتریک)، فرض نرمالیته با بهره‌گیری از آزمون کالمگروف-اسمیرنف (K-S) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق در این حوزه نشان دادند که میزان آماره نرمالیته برای شاخص رضایت از زندگی به مثابه متغیر وابسته این تحقیق، $2/082$ با سطح معنی‌داری $0/141$ است. از این لحاظ و به علت بالاتر بودن مقدار معنی‌داری از سطح $0/05$ ، توزیع متغیر رضایت از زندگی نرمال در نظر گرفته شده و با توجه به این مسئله از آمار پارامتریک به منظور تحلیل فرضیه‌های تحقیق بهره گرفته شد.

جدول تحلیل روابط میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، احساس امنیت اجتماعی و رضایت از زندگی

Sig.	t	Beta	Sig.	F	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	استفاده از شبکه اجتماعی مجازی
۰,۰۰۱	۶,۹۹۶	-۰,۲۳۳	۰,۰۰۱	۴۸,۹۳۷	-۰,۱۲۴	-۰,۳۳۷	رضایت از زندگی
۰,۰۰۱	۶,۴۳۷	-۰,۱۹۱	۰,۰۰۱	۴۱,۴۳۲	-۰,۰۹۸	-۰,۳۱۳	فکری
۰,۰۰۱	۶,۱۶۸	-۰,۲۲۴	۰,۰۰۱	۳۸,۰۳۹	-۰,۰۹۱	-۰,۳۰۱	روانی
۰,۰۰۱	۷,۹۹۳	-۰,۲۳۰	۰,۰۰۱	۶۳,۸۹۲	-۰,۱۴۱	-۰,۳۷۹	هویتی
۰,۰۰۱	۷,۰۳۸	-۰,۲۱۹	۰,۰۰۱	۴۹,۵۳۴	-۰,۱۱۵	-۰,۳۳۹	فرهنگی
۰,۰۰۱	۸,۹۱۲	-۰,۲۳۰	۰,۰۰۱	۵۲,۲۸۷	-۰,۱۱۲	-۰,۳۲۰	کل
۰,۰۰۱	۵,۳۴۴	۰,۲۴۵	۰,۰۰۱	۴۳,۸۲۰	۰,۱۸۰	۰,۳۷۱	احساس امنیت * رضایت از زندگی

نتایج تحلیلی تحقیق در بررسی فرضیه اثرگذاری میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی بر رضایت از زندگی بیانگر همبستگی معنی‌دار و معکوسی میان این دو متغیر وجود دارد: به بیان دیگر، به هر اندازه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی بیشتر گردد، میزان رضایت از زندگی کاربران کاهش بیشتری می‌یابد ($r = -0.337$, $sig. = 0.001$). در عین حال، شواهد گویای آن بودند که همبستگی معکوسی میان استفاده از

شبکه‌های مجازی خارجی با احساس امنیت اجتماعی و ابعاد آن وجود دارد ($r = -0.320$, $\text{sig.} = 0.001$): به عبارت دیگر، بهره‌گیری و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجازی به ویژه کانال‌هایی که از نظر محتوا چندین مورد مطلوب نبوده و معیارها و موازین مرتبط با رعایت حریم خصوصی و اصول هنجاری و ارزشی را مدنظر قرار نمی‌دهند، سبب کاهش احساس امنیت اجتماعی شهروندان در ابعاد فکری، روانی، هویتی و فرهنگی می‌گردد. مدل ارتباطی شبکه‌های اجتماعی مجازی، احساس امنیت اجتماعی و رضایت از زندگی



بررسی ضریب همبستگی میان احساس امنیت اجتماعی با رضایت از زندگی نیز گویای آن است که این دو شاخص ارتباط مستقیم و مثبتی و همبستگی معنی‌داری با یکدیگر دارند؛ بدین معنی که به همراه افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان، میزان رضایت آن‌ها از زندگی افزایش یافته و با کاهش میزان احساس امنیت آن‌ها، سطوح رضایت از زندگی آنان نیز تنزل می‌یابد ($r = 0.245$, $\text{sig.} = 0.001$). از جانی دیگر، ارزیابی نقش میانجی‌گرانه شاخص احساس امنیت اجتماعی در رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از زندگی گویای آن بوده که استفاده و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی نه تنها به شکل مستقیم میزان رضایت از زندگی کاربران را به شکل منفی متأثر می‌سازد، بلکه استفاده از این شبکه‌ها با تنزل میزان احساس امنیت کاربران، منجر به کاهش رضایت از زندگی آن‌ها می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توانمندی‌های ذاتی و وسایل ارتباطی همچون رسانه‌های اجتماعی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی در جریان سازی‌های فرهنگی و سیاسی و اثرگذاری این گروه رسانه‌ها بر اشکال و سبک‌های رفتاری، سلايق عمومی و نیز جایگاه آنان به‌مثابه منابع اصلی و حاکم به‌منظور ارائه تصاویر ذهنی از وقایع، ارزش‌ها و موازین و هنجارهای عمومی در جوامع، امری غیرقابل‌انکار است. این گروه از رسانه‌ها و وسایل ارتباطی، در عین آنکه به‌مثابه واسطه‌ای در تعاملات اجتماعی به ایفای نقش اقدامی می‌نمایند، می‌توانند در سطوحی وسیع‌تر و در طی زمانی طولانی‌تر با شهروندان ارتباط برقرار نموده و اثرات نهادهای اجتماعی و ابزارهای جامعه‌پذیر نمودن انسان‌ها همچون مدارس، خانواده‌ها، مذاهب و غیره را دستخوش آثاری منفی سازند. لذا رسانه‌های اجتماعی با توجه به دامنه گسترش کمی و کیفی که در جهان معاصر پیدا نموده‌اند، عملاً قادرند هم‌بسترهای مطلوب (فرصت‌ها) و هم نامطلوب (تهدیدها) را برای بقا و دوام فرصت‌ها و تهدیدات اجتماعی فراهم سازند، اموری که می‌توان آن‌ها را در مقولاتی همچون رضایت از زندگی و امنیت اجتماعی خلاصه نمود. پژوهش حاضر به واکاوی نقش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر رضایت از زندگی شهروندان کاشانی با تأکید بر میانجیگری احساس امنیت اجتماعی اختصاص داده شد. جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده تمامی شهروندان ۲۵ تا ۶۰ ساله شهر کاشان بوده که با استفاده از جدول مورگان، ۳۸۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شده و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای موردبررسی قرار گرفته‌اند. مقیاس‌های مورد استفاده در پرسشنامه، شامل مقیاس رضایت از زندگی داینر (۱۹۸۵) (۵ گویه) و مقیاس محقق ساخته احساس امنیت اجتماعی (۲۰ گویه) بوده است. همچنین به‌منظور سنجش شاخص شبکه‌های اجتماعی مجازی، وضعیت عضویت و میزان استفاده از شبکه‌های مجازی (تلگرام، واتساپ، توئیتر، فیس‌بوک) مورد پرسش واقع شده‌اند. جهت تعیین اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری (وفاق داوران در مورد شاخص‌ها) و به‌منظور

ارزیابی میزان پایایی مفاهیم و ابعاد موردسنجش، از روش همبستگی درونی آلفای کرونباخ بهره گرفته شده که شاخص‌ها از پایایی مطلوبی برخوردار بودند. یافته‌های این تحقیق در وهله نخست نشان دادند که با افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی در قالب شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی همچون تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و فیس‌بوک، از میزان رضایت از زندگی شهروندان کاشانی کاسته می‌گردد.

بنا بر فرضیه کاهش (والکنبرگ و پیتر، ۲۰۰۹) استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و به‌نوعی اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و بهره‌گیری طولانی مدت از آن‌ها نه تنها منجر به جدایی فرد از خانواده و دوستان و نیز تنهایی و انزوای وی، افسردگی و کمرویی با اعتیاد به اینترنت می‌گردد. همچنین نتایج این تحقیق همسو با یافته‌های پژوهش گودرزی (۱۳۹۷) پیرامون اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر میزان رضایت زناشویی و یافته‌های پژوهش اناری و همکاران (۱۳۹۳) بوده که طی تحقیق نشان داده‌اند آن گروه از نوجوانانی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌نمایند، میزان رضایت از زندگی پایین‌تری را تجربه می‌نمایند. درعین حال، یافته‌های تحقیقاتی زهان و همکاران (۲۰۱۶) نیز گویای نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در افزایش اضافه‌بار اجتماعی و در نتیجه کاهش رضایت از زندگی بوده و یو و شک (۲۰۱۸) نیز بر این مسئله تأکید نموده‌اند که اعتیاد به فضای مجازی، منجر به پایین‌تر رضایت از زندگی و افزایش ناامیدی در میان نوجوانان می‌گردد. درعین حال، در مطالعات معاصر همچون پژوهش استیگر (۲۰۱۹) نیز نشان داده شده است که حضور به عمل رسانی در رسانه‌هایی نظیر فیس‌بوک، میزان رضایت از زندگی را به واسطه افزایش ارتباطات زائد و بیهوده و معتاد نمودن افراد به فضای مجازی تنزل می‌بخشد. در مقابل، یافته‌های تحقیقاتی دوگان (۲۰۱۶) نشان‌دهنده نقش مثبت شبکه‌های اجتماعی مجازی در بهبود بهزیستی روانی و رضایت از زندگی دانش‌آموز است.

به‌طور کلی، شهروندانی که زمان بیشتری را صرف ارتباطات مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌نمایند، فرصت زیادی برای ارتباطات زندگی واقعی ندارند و در دنیایی مجازی عمدتاً سیر می‌نمایند؛ دنیایی که لزوماً تمامی انسان‌های آن قابل پیش‌بینی نبوده و صادقانه عمل نمی‌نمایند. این دنیای مجازی آنان را در معرض اختلالات درونی سازی شده‌ای قرار می‌دهد که به همراه خود، مخاطراتی چون کاهش رضایت از زندگی و کاهش کیفیت زندگی در افراد را به دنبال می‌آورد. در تبیین این یافته می‌توان به قطع ارتباط با دنیای واقعی، کاهش ارتباطات اجتماعی خارج از شبکه‌های عمدتاً غیر واقعی و کاهش تفریحات و سرگرمی‌های بیرونی اشاره کرد. در این زمینه میلو سویچ^۱ (۲۰۱۴) نیز طی پژوهشی پیرامون «پیش‌بینی کننده‌های اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی» در صربستان بدین نتیجه دست یافتند که عواملی نظیر عزت‌نفس، خودکارآمدی پایین و درون‌گرایی و احساس تنهایی زیاد، با استفاده فراتر از حد از شبکه‌های اجتماعی مجازی مرتبط بوده که ماحصل آن، کاهش میزان رضایت از زندگی است.

فرضیه دیگر این پژوهش در زمینه اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی بر احساس امنیت اجتماعی مطرح شد. نتایج ارزیابی این فرضیه نشان دادند که به همراه افزایش بهره‌گیری از شبکه‌های مجازی اجتماعی خارجی و مشارکت بالاتر در این رسانه‌های اجتماعی، میزان احساس ناامنی افزایش می‌یابد و احساس امنیت کاربران به میزان بیشتری کاهش می‌یابد. این یافته همسو با نتایج پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۹۴) پیرامون اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تنزل نظم و امنیت اجتماعی است. درعین حال، نتایج مطالعات متانی و همکاران (۱۳۹۶) نیز گویای آن بوده است که استفاده از انواع رسانه به‌ویژه وب‌سایت‌های اینترنتی، ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی، اثرگذاری منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی دارد.

^۱ Milosovic

با توجه به نتایج و یافته‌های این تحقیق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- تأکید بر آموزش، مهارت‌افزایی و فرهنگ‌آفرینی بهره‌گیری از فضای مجازی و تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی
 - ارتقاء سواد رسانه‌ای شهروندان و بسط نظام‌های دقیق سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی
 - حمایت و بهینه‌سازی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سخت و نرم شبکه‌های اجتماعی مجازی داخلی در برابر طیف وسیع شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی که امکان کنترل و ساماندهی فضای آن‌ها از درون کشور فراهم نیست.
 - تلاش گردد تا اوقات فراغتی را که می‌تواند در مواجهه با فضای مجازی در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی غیرمجاز و یا سرگرمی‌های زودگذر مصرف شود، جهت‌دهی دوباره شوند تا از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی برای مصارف سازنده و مفید استفاده شود تا پیامدهای منفی آن کاهش یابد.
- درنهایت این‌که از آنجایی‌که روند استفاده از رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی، روزبه‌روز افزایش یافته و کنترل میزان دسترسی و استفاده از آن تقریباً امری محال و بی‌ارزش محسوب می‌شود، بهتر است با گسترش و تنوع میزان اطلاع‌رسانی‌های فرهنگی و تربیتی در این زمینه، بر غنا و بهتر نمودن آگاهی افراد در این زمینه افزوده شود. همچنین، می‌توان بار دیگر اندیشه‌های ژان کازنو در حوزه تأثیرگذاری رسانه‌ها بر ابعاد متنوع زندگی بشری را مورد تصدیق قرارداد. به اعتقاد کازنو، رسانه‌های ارتباطی جدید، قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار فلسفی و سیاسی (و در مورد مضمون این پژوهش، رضایت از زندگی و ابعاد گوناگون آن) را منقلب نموده، شکل تازه‌ای بدان ببخشند و به اختیار تمامی رفتارها را هدایت نمایند.

منابع

- اناری، آسیه؛ مظاهری تهرانی، محمدعلی؛ طهماسبیان، کارینه (۱۳۹۳)، رضایت از زندگی، اختلالات درونی سازی شده و برونی سازی شده در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی و غیر کاربران، راهبرد فرهنگ، دوره ۲۷، صص ۱۱۹-۱۳۷
- بشیر، حسن، افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ‌ترین جامعه مجازی ایرانیان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۱-۶۲
- بیچرانلو، عبدالله؛ طالبیان، حامد و زندوکیلی، سارا (۱۳۹۴)، بازنمایی حریم خصوصی در رسانه‌های اجتماعی: مردم‌نگاری کاربران ایرانی فیس‌بوک، مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۱، شماره ۱
- جعفری، سید محمدباقر؛ کریمی، آصف و ابرقوی زاده، زاهده (۱۳۹۵)، عوامل تأثیرگذار بر تمایل به ادامه استفاده از وبسایت شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۴۷-۱۸۲
- جعفری، علی، پورپناهی، بابک (۱۳۹۶)، رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بانظم اجتماعی در میان شهروندان اردبیل، رسانه، دوره ۲۹، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۲۶
- حبیب زاده، اصحاب (۱۳۹۷)، رسانه‌های اجتماعی و امنیت عمومی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۴، صص ۲۳-۱۶۳
- حسینی زاده آرانی، سید سعید (۱۳۹۹)، مدیریت نارضایتی‌های اجتماعی (پیشگیری) (مورد مطالعه: شهروندان تهران)، طرح جایگزین خدمت سرپازی، تهران: دانشگاه پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹.
- ذبیحی، سعید (۱۳۹۹)، بررسی رابطه‌ی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، توئیتر) با رضایت از زندگی افراد ۲۵ تا ۶۰ سال شهر کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، تهران مرکز، ۱۳۹۹.

- رسول‌زاده اقدم، صمد؛ عدلی پور، صمد (۱۳۹۴)، میرمحمد تبار، سید احمد و افشار، سیمین، تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در گرایش به سبک زندگی نوین در بین جوانان ایرانی، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال چهارم، شماره ۶، ۳۳-۶۰، ۱۳۹۴
- زبردست، یلدا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و میزان رضایت از زندگی در میان سالمندان (مطالعه موردی شهرستان جهرم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱
- عباسی، زینب؛ بهرامی، زهرا و بهرامی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر نظم اجتماعی، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت
- عین بیگی، رمضان؛ خان شریفان، صفورا و خان شریفان، سمیرا (۱۳۹۴)، نقش شبکه‌های اجتماعی از منظر ایجابی بر امنیت اجتماعی (جستارهایی پیرامون برهمکنش شبکه‌های اجتماعی و گفتمان ایرانی - اسلامی پیشرفت)، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۹۵-۱۳۲
- گودرزی، ماندانا (۱۳۹۷)، بررسی رابطه و تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر میزان رضایت زناشویی زوجین، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین: موسسه آموزش عالی تاکستان - دانشگاه پیام نور استان قزوین
- لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، رسانه‌های جمعی و نظم اجتماعی (مطالعه تطبیقی شهرهای تهران، لندن و بمبئی)، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۹، شماره ۲
- متانی، مهرداد؛ قلی‌زاده، نقی؛ فلاح، علی و رشیدی، احتشام (۱۳۹۶)، بررسی نقش انواع رسانه‌های جمعی در احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر تهران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۳۷-۵۴
- مجردی، سعید (۱۳۹۱)، اینترنت و امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- محصل، رضا و حیاتی، صفر (۱۳۹۴). مطالعه و شناخت عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۲۱-۳۹

محمدی، جمال، خالق پناه، کمال و غلامی، الهه (۱۳۹۵). تجربه مصرف شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: شبکه اجتماعی بی تاک)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۹، شماره ۴،

صص ۵۹-۸۸

معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد و خاکسار، فائزه (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی در ایران)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران،

دوره اول، شماره ۴، صص ۱۵۵-۱۷۶

ندری، غلامرضا و بخشایش، احمد (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت اجتماعی ج.ا. ایران با رویکرد سیاست‌گذاری، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی

دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۲۵-۱۵۴

نقیب‌السادات، سید رضا و قصابی، فاطمه (۱۳۹۲)، ساختار و طراحی شبکه‌های اجتماعی. تحلیل محتوای ساختار و طراحی شبکه‌های اجتماعی ایرانی و غیر ایرانی، فصلنامه مطالعات توسعه

اجتماعی-فرهنگی، سال اول، شماره ۳، صص ۲۱۷-۲۴۶

نواح، عبدالرضا؛ زبردست، یلدا و حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی (۱۳۹۰)، عضویت در شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر رضایت از زندگی در میان سالمندان (مطالعه موردی شهرستان

جهرم)، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه شوشتر، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۴۱-۵۸

نیازی، محسن؛ حسینی زاده آرانی، سید سعید؛ سخایی، ایوب و امامعلی زاده، حسین (۱۳۹۵)، فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه انتظام

اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱-۳۴

هزارجریبی، جعفر و فعلی، جواد (۱۳۹۴)، احساس امنیت اجتماعی و رابطه آن با رضایت از زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و

توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۷: ۱۱۷-۱۴۴

Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social Network Sites: Definition, History, an Scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1): 210-230.

Dugan, U. (2016). Effects of Social Network Use on Happiness, Psychological Well-being, and Life Satisfaction of High School

- Students: Case of Facebook and Twitter. *Eğitim ve Bilim*, 41(183):217-231.
- Jones, Richard W. (1999), *Security, Strategy, and Critical Theory*, London, Lynne Rienner
- McDowell, I. (2010). Measures of self-perceived well-being. *Journal of Psychosomatic Research*, 69, 69-79.
- Martikainen, L. (2009). The many faces of life satisfaction among Finnish young adults. *Journal of Happiness Studies*, 10, 721-737.
- Milošević-Đorđević, J. S., & Žeželj, I. L. (2014). Psychological predictors of addictive social networking sites use: The case of Serbia. *Computers in Human Behavior*, 32, 229-234.
- Nee, K.G., & Fan, S. (2010). My inline friends understand me better- the impact of social networking site usage on adolescent social ties and mental health, Retervied from [http://www.skmm.gov.my/skmmgovmy/media/general/pdf/IMU_Impact_Social_Networking_Site_Usage_\(1\).pdf](http://www.skmm.gov.my/skmmgovmy/media/general/pdf/IMU_Impact_Social_Networking_Site_Usage_(1).pdf).
- Pavot, W., Diener, E. (1993). Review of the satisfaction with life scale. *Psychological Assessment*, 5, 2, 164-172.
- Stieger, S. (2019). Facebook Usage and Life Satisfaction, *Rontiers in Psychology*, 10 (2711): 1-9.
- Valkenburg, P.M., & Peter, J. (2009). Social consequences of the internet for adolescent. *current directions in psychological science*, 18.
- Zhan, L., Sum, Y., Wang, N., & Zhang, X. (2016). Understanding the influence of social media on people's life satisfaction through two competing explanatory mechanisms. *Aslib Journal of Information Management*, 68(3):347-361.